

بشارت منجی

(از تولد تا ظهور)

شیراله صفی‌لو

انتشارات دانش زنجان

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست‌نویسی

موضوع

موضوع

رده‌بندی کنگره

رده‌بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

صفی‌لو، شیراله، ۱۳۳۹ -

بشارت منجی / مؤلف: شیراله صفی‌لو.

زنجان: دانش زنجان، ۱۳۹۵.

۱۷۲ ص.

۱۰۰۰۰ ریال، ۱-۱۵-۳۴۲-۶۰۰-۹۷۸

فیفا

محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق-

مهدویت

۱۳۹۵ ۵۱/ص BP

۲۹۷/۹۵۹

۴۱۲۴۲۹۴

بشارت منجی (از تولد تا ظهور)

نویسنده: شیراله صفی‌لو

دور فنی: نشر دانش

صنایع آرا: سمیه اسلامی

طراح: محسن آزاد خسرو تاج

ویراستاران: محسن خدیو - زهرا شاهی

شابک: ۱-۱۵-۳۴۲-۶۰۰-۹۷۸

چاپ اول، تابستان ۱۳۹۵، ۱۰۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال



نشر دانش زنجان

مرکز پخش

زنجان: بزرگراه ۲۲ بهمن - رویروی درب

مجموعه ورزشی کارگران - پلاک ۱۲.

تلفکس: ۰۲۴-۳۳۴۵۷۳۰۲

تلفن همراه: ۰۹۱۹۳۴۷۲۸۰۹

فهرست مطالب

۱.....	مدخل
۳.....	پیش گفتار
۱۱.....	تاریخ ولادت با سعادت حضرت مهدی موعود (عج)
۱۳.....	چگونگی شرف یاب شدن حضرت نرجس خاتون به خدمت امام حسن عسگری (ع)
۲۰.....	شعر امام حسن عسکری (ع)
۲۷.....	کیفیت ولادت با سعادت حضرت صاحب الامر (عج)
۳۶.....	ادعای جعفر دنا ب سی امام بودن
۴۵.....	نواب اربعه امام زمان (عج)
۵۱.....	دیدگاه اهل سنت نسبت به حضرت مهدی (عج)
۵۵.....	اسماء و القاب و کنیه های حضرت قائم (عج)
۸۵.....	دعاهای مربوط به امام زمان (عج) در عصر غیبت
۹۴.....	آیا بردن نام حضرت حجت (عج) جایز است
۹۸.....	تعیین کنندگان وقت ظهور دروغ گویند
۹۹.....	ضرورت شناخت حضرت ولی عصر (عج)
۱۰۷.....	انتظار ویرانگر
۱۰۸.....	انتظار سازنده
۱۱۸.....	آیا حضرت حجت (عج) علم و قرآن جدید می آورند؟
۱۲۳.....	ظاهر شدن گنج ها و ذخایر زمین در زمان حضرت قائم (عج)

- نشانه‌های نزدیک شدن ظهور حضرت قائم (عج) طبق فرمایش حضرت پیامبر اعظم (ص) در حجة الوداع ۱۲۵
- تهران در آخر الزمان ۱۳۲
- یاران حضرت قائم (عج) هنگام ظهور آن حضرت ۱۳۳
- آیا سلاح امام زمان (عج) شمشیر است؟ ۱۳۹
- دجال کیست؟ کی خواهد آمد؟ ۱۴۲
- علائم ظهور حضرت ولی عصر (عج) ۱۴۶
- ظهور حضرت مهدی (عج) ۱۵۴
- آمدن حضرت عیسی (ع) ۱۵۷
- پیرامون رجعت ۱۶۰
- آیا رجعت اختیاری است؟ ۱۶۲
- مدت حکومت جهانی قائم (ع) ۱۶۷
- منابع و مأخذ ۱۶۹

مدخل

«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفِ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةَ الْجَاهِلِيَّةِ»

هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، مرده است، مانند مردن جاهلیت.^۱

فخر رازی از حضرت محمد (ص) روایت کرده که فرمودند:

«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفِ إِمَامَ زَمَانِهِ، فَلَيُمُتَ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا وَ إِنْ شَاءَ

نَصْرَانِيًّا»

هر کس بمیرد و نشناخته باشد امام زمان خود را، پس اگر خواست یهودی

بمیرد و اگر خواست نصرانی.^۲

پیامبر (ص) می فرمایند: «أَلَا إِنَّ مَثَلَ آلِ مُحَمَّدٍ (صلی اله علیه و آله)

كَمَثَلِ نُجُومِ السَّمَاءِ إِذَا خُوِيَ نَجْمٌ طَلَعَ نَاحِمٌ»

آگاه باشید که به تحقیق مثل آل محمد (صلی اله علیه و آله) مثل ستاره های

آسمان است، هر گاه ستاره ای بخواهد غروب کند، ستاره ی دیگر طلوع نماید.

۱- کشف الاسرار صفحه ی ۷۸ و ۷۹ به نقل از: کتاب وابستگی جهان به امام زمان صفحه ی ۱۱ انتشارات کوثر

سال نشر ۸۷ نویسنده: آیه اله صافی گلپایگانی.

۲- المسائل الخمسون به نقل از: وابستگی جهان به امام زمان، آیه اله گلپایگانی صفحه ی ۱۱ انتشارات کوثر سال نشر ۸۷

۳- نهج البلاغه خطبه ی ۱۰۰.

پیامبر (ص) می‌فرماید: «وَ إِنَّمَا الْأَئِمَّةُ قَوَّامُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ عُرْفَاؤُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَ عَرَفُوهُ وَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَ أَنْكَرُوهُ».^۱

همانا امامان ازسوی خدا و به امر خدا، قائم بر خلق خدا و برپادارندگان آنان، و بر سر دیر امور، نگهبان یا مطیع و سرپرست بندگان خدا می‌باشند داخل بهشت می‌شود مگر آن کس که بشناسد ایشان را و ایشان او را بشناسد و داخل آتش نمی‌شود، مگر کسی که ایشان را نشناسد و انکار کند (و امامان او را نشناسند و انکار نمایند).

«وَ تُرِيدُ أَنْ نُمَسِّسَ عَلَى بَنِي إِسْرَءِيلَ أَسْتَضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ».^۲

و ما بر آن هستیم که بر مستضعفان بنی‌اسرائیل زمین منت گزاردیم آنان را پیشوایان قرار دهیم و آنان را وارثان زمین گردانیم.

۱- نهج البلاغه خطبه‌ی ۱۵۲.

۲- سوره‌ی قصص آیه‌ی ۵- کتاب عاشورا و انتظار صفحه‌ی ۹ تا ۱۲ و صفحه‌ی ۱۵ تا ۳۴.

پیش گفتار

آنچه که اخبار و احادیث به ما می گوید و آنچه که مسلم است، همه ی انبیای الهی و اولیای الهی برای آن آمده اند که پرچم توحید و یکپارچگی را در عالم گمراهی و شرش دهند، و روح توحید را در زندگی انسان ها زنده کنند و بدون عدالت اجتماعی، ادب و مروت، توحید معنایی ندارد. یکی از ارکان توحید، نبودن ظلم و نبودن بی عدالتی است.

چقدر انسان های گوناگون در این راه تلاش کرده اند و بشریت را به سمت فهمیدن این حقیقت عدالت نزدیک کرده اند. انبیاء الهی پاکترین و مقدس ترین و نورانی ترین انسان های تمام عیار تاریخ بوده اند، علی الخصوص وجود مقدس حضرت خاتم الانبیاء حضرت محمد مصطفی (ص) بوده و خاندان پاک او که نورانی ترین و پاکیزه ترین انسان های روی زمین بودند و هستند، اهل بیت پیامبر خاتم (ص) در طول تاریخ، خورشیدهای فروزانی بودند که توانسته اند بشریت روی زمین را با عالم غیب، و واقعیات و سرانجام انسان ها را به انسان بشناسانند.

یکی از آن خورشیدهای فروزان حضرت بقیة الله فی الارضین و ابی الوان حجة الله و صاحب الزمان و ولی مطلق خداوند تبارک و تعالی در روی زمین می باشد. امروز وجود مقدس حضرت حجت (عج) در میان انسان های روی زمین، منبع تمام خوبی هاست. چشم های ناقابل، تیره و تار و آلوده به گناه ما آن چهره ی نورانی را از نزدیک نمی بیند اما او مثل خورشیدی درخشان است. جامعه ی

اسلامی، مخصوصاً شیعه باید با ایجاد حالت انتظار و دعا برای ظهور منجی جهان اسلام، حضرت ولی عصر (عج)، عادت دیرین غفلت از تیرگی‌های عصر غیبت را کنار بگذارد و به وسیله دعا از دل و جان خواهان فرا رسیدن حکومت جهانی امام زمان (عج) از خداوند باشند.

بی‌شکوتی به امام عصر (عج) چه بسا گناه بزرگی است، سرانجامی تاریک و شوم برای انسان به وجود خواهد آورد.

آیا سزاوارست انسانی که می‌تواند به وسیله آشنایی با خاندان وحی، خود را نجات دهد، در برابر پرواز درآید پر و بال خود را بشکند و در زندان دنیا خود را بازیچه و اسیر شیاطین گرداند؟!

چرا انسان‌ها از ارزش انسانی خویش باخبر نیستند؟! چرا نمی‌توانند توجه خود را به خداوند و جانشین خداوند، این روزگار جلب نمایند؟ اگر همه‌ی انسان‌ها لیاقت چنین مقامی را ندارند که ارتطال خالصانه برقرار نمایند، و این مقام از آن گروهی خاص است، چرا ما و شما از آنان نباشیم که اگر صادقانه در جستجوی مولایمان حضرت قائم (عج) باشیم، و درباری تعجیل ظهور آن بزرگوار تلاش کنیم راهمان به جایی می‌رسد و یقیناً روزه‌ای به سویمان گشوده خواهد شد.

اطمینان داشته باشیم اگر در راه رسیدن و فداکاری کردن به امام زمان (عج)، ریگی در کفش نداشته باشیم حتماً مورد توجه حضرت قرار می‌گیریم و آن بزرگوار با کلامی یا پیامی یا نگاهی خاطرم‌ان را خشنود و قلبمان را شاد می‌نماید. زیرا ممکن نیست کسی در جستجوی حقیقی باشد و در راه آن قدم

بردارد، مگر آنکه سرانجام به همه‌ی مقصود خویش و یا حداقل به مقداری از آن دست می‌یابد. توجه به حضرت حجة‌بن‌الحسن العسکری (ع) توجه به خداوند کریم است، همانگونه که توجه به بقیه‌ی ائمه (ع) توجه به خداوند می‌باشد.

در هر زمان، معرفت و شناخت نسبت به امام زمان (عج) واجب است، و چگونگی ممکن است کسی معرفت به امام زمان خویش داشته باشد و از عظمت آن بزرگوار آگاه باشد. ولی به آن حضرت توجه نداشته باشد؟! بنابراین، غفلت و بی‌توجهی نسبت به امام عصر (عج) و نشناختن اوصاف و خصوصیات مقام رفیع آن بزرگوار، هر چند انسان به ائمه‌ی اطهار (ع) دیگر توجه داشته باشد، صحیح نیست.

پس وظیفه‌ی ما در عصر حاضر این است که به حضرت مهدی (عج) که در دوران امامت آن بزرگوار زندگی می‌کنیم توجه خاص داشته باشیم.

متأسفانه جامعه‌ی ما هم به دستورات خداوند توجه نمی‌باشد، و هم از ولی و جانشین او غفلت می‌ورزد. علت این هم تهاجم فرهنگ است که از ناحیه‌ی دشمنان قسم خورده رقم خورده و می‌خورد. در ثانی یکدیگر از علل مهمی که باعث غفلت و یا کم‌توجهی بسیاری از مردم نسبت به امام صاحب‌الزمان (عج) شده است عدم آگاهی آنان از مقام و شخصیت آن حضرت است که در روایات خاندان عصمت و طهارت کاملاً به مقام و شخصیت حضرت تصریح شده است. متأسفانه بسیاری از کسانی که مکلف بوده‌اند این

حقایق را به مردم برسانند و آنان را به سوی سرور عالم وجود و رهبر جهان هستی متوجه سازند، موفق به انجام این وظیفه‌ی مهم شرعی نشدند.

برای شناخت امام (عج)، و آماده شدن برای ظهور ایشان، پاکسازی درون از صفات پلید و صیقل دادن روح و روان خود، به وسیله‌ی اخلاق پسندیده، امری است ضروری و واجب، که باید به انجام آن همت گماشت.

مخصوصاً در زمان غیبت، چه بسا که منتظر هم باشی، چون یکی از آداب منتظر بودن پاکسان درون از تمام پلیدی‌هاست.

اکنون نه تنها در عبادات فردی، بلکه در بسیاری از مجالس عمومی نیز از یاد امام (عج) و دعا برای عجل ظهور آن حضرت غافل هستیم.

در پیرامون کتاب‌های عصر نبوت و یا عصر ظهور و وقایع آن، انصافاً بزرگان، اساتید و علمای دین، قلم‌فرسایی نموده و مطالب فراوانی نوشته‌اند که این مطالب و کتاب‌های نوشته شده کاملاً حصّی و عمیق بوده و در خور فهم عوام نمی‌باشد. کتاب حاضر می‌تواند قابل فهم همگان باشد.

البته بنده کتابی دیدم تحت عنوان «عاشور» و «انتظار» به قلم مسعود پورسیدآقایی که فرهنگ انتظار، موضوع مهدویت و منش عاشورایی را به صورت همه فهم بیان نموده بود. بر خود واجب دانستم که چکیده‌ای از مطالب کتاب مزبور را در ذیل بیاورم تا نظر خوانندگان عزیز (نسبت به کتابی که در دست دارند) بیشتر جلب شود زیرا پیش‌آشنایی خوبی، جهت درک مطالب آینده خواهد بود.

مهدی (عج)، ادامه‌ی مکتب حسین (ع) است و «انتظار» ادامه‌ی عاشورا و برآمده از آن. مهدی (عج)، فرزند حسین (ع) است و فرهنگ «انتظار» برآمده از فرهنگ «عاشورا» و انتظار حسین (ع) دیگری را کشیدن. این دو، پیوندی دیرین و مستحکم با یکدیگر دارند. یکی پشتوانه‌ی فرهنگی و زمینه‌ساز، برای دیگری است. یکی رمز «حیات شیعہ» است و دیگری عامل «حفظ و استمرار آن».

«مهدی» (عج) وارث عاشورا است؛ هم‌چنان که «حسین» (ع) وارث پیامبران است.

عاشورا دریچہ‌ای به «انتظار» است و انتظار، تجلی آرزوها و آمال کربلا. فرهنگ عاشورا، استقامتی اساسی و مایه‌ی شکوفایی و بالندگی منتظران مهدی (عج) در عصر انتظار است.

پیوند «عاشورا و انتظار» و «حسین و علی علیهما السلام»، پیوند «والد» و «ما ولد» و «نور علی نور» است.

انتظار، کربلایی دیگر است به وسعت بی‌جهان، و مصاف حق و باطل است در زمانی دیگر، با این تفاوت که این بار، حق پیروز است و باطل برای همیشه دفن می‌شود. انتظار همان کربلا است در وسعت بی‌زمین و در مقطع دیگری از تاریخ. در این مقطع، فکرهای رشید از هر فرق و مذهب، گلبانگ «دعوت مهدوی» را، -که با ساخت و فطرت انسان‌ها همگون است- لیک می‌گویند.

انتظار، ثمره‌ی کربلا است. بدون کربلا انتظار بی‌معنا است. یاران مهدی همه کربلایی‌اند و در فراز و فرود تاریخ، غربال شده و دارای تجربه‌ی کافی و توان

علمی بالایی دارند. مگر می‌توان بی‌عاشورا، انتظاری دیگر داشت؟ انتظار بی‌عاشورا، انتظار بی‌پشتوانه است. «عاشورا» انتظار برآورده نشده‌ی شیعه است و «انتظار» عاشورای برآورده شده‌ی شیعه.

حرکتی جهانی و به وسعت آمال همه‌ی انسان‌های تاریخ، پشتوانه و عقبه‌ای می‌خواهد به استحکام کربلا که هرگز به سردی و خاموشی نگراید.^۱

«انصار» ادامه‌ی عاشورا، غدیر و بعثت است و «ظهور»، روز فرج و مخرج حسین^۲ و ثمره‌ی خونی او که در شریان تاریخ به جوش آمده است.

«انتظار» بشارت است، حق، بر همه‌ی دردها و آلام شیعه در کربلا و تاریخ مهدی (عج)، همان کسی است که باری را که حسین (ع) در مسیر کوفه، در کربلا بر زمین گذاشت، به کوفه می‌رساند.

مهدی (عج)، بذری را که امام حسین (ع) در کربلا کاشت و دیگر امامان آن را باور کردند و خودش در دوران غیبت، حراست آن همت گماشت، با دستان پُرتوانش غرس خواهد کرد.

«انتظار و عاشورا» دو بال پرواز شیعه است؛ اگر آن در نبود، چشمه‌ی «غدیر» می‌خشکید.

۱- پیامبر (ص) می‌فرماید: «ان القتل الحسین حرارة فی قلوب المومنین لا تبرد ابداً». مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸، ابواب المزار، ح ۱۳. پیامبر در جای دیگر می‌فرماید: «ان الحسین فی بواطن المومنین معرفة مكتومة بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۷۲. امام صادق (ع) نیز فرموده است: «من اراد الله به الخير قذف فی قلبه حب الحسین و حب الزیارة و من اراد الله به السوء قذف فی قلبه بغض الحسین بغض زیارة» کامل الزیارات، ص ۱۴۳.

۲- «فاجعل لنا من امرنا فرجا و مخرجا یا ارحم الراحمین» دعای امام حسین (ع).

این پیوندهای روشن و گویا، از نگاه نامحرمان نیز مخفی نمانده تا آنجا که می‌گویند:

(شیعه با دو نگاه همراه است: «نگاه سرخ» و «نگاه سبز» عاشورا و ظهور، با الهام از یکی «انقلاب» می‌کند و با دیگری آن را «استمرار» می‌بخشد).^۱
برای ما دورماندگان از صحنه‌ی عاشورا، یک راه بیشتر نمانده و آن ثبت نام در دلائل «انتظار» و درآمدن در خیل «منتظران» است که همانا حقیقت انتظار، همان در خیل حسین (ع) بودن است. آنان که در کربلا چکاچک شمشیرها را نچشیدند، باید مراقبت «انتظار» را به جان بخرند. «عاشورائیان»، پیمان خود را به آخر بردند و «مهدیان» بکوله‌بار فرهنگ شهادت، چشم انتظارند تا آن عهده‌ی که با خدا و رسول برپاداری از حرم و حریم ثارالله بسته‌اند، به انجام برسانند:

«فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ».^۲

پیوندها

پیوند دو فرهنگ «عاشورا» و «انتظار» از دلائل و شواهد متعددی برخوردار است. در این جا ضمن بیان آن‌ها، به تحلیل و ره‌یافت می‌پردازیم. این‌ها نیز خواهیم پرداخت.

۱- مهدی (عج) فرزند حسین (ع)، صدها روایت، در این باب وارد شده است که در آن‌ها تاکید شده، امام مهدی (عج) نهمین فرزند حضرت امام حسین (ع) است:

۱- ر.ک: مجله موعود، گفتگو با دکتر بلخاری، شماره‌های ۲۵ و ۲۶.

۲- احزاب (۳۳)، آیه‌ی ۲۳.

«قَائِمٌ هَذِهِ الْأُمَّةِ هُوَ التَّاسِعُ مِنْ وَلَدِي»^۱

۲- مهدی (عج)، خونخواه حسین (ع)، در روایات متعددی، وارد شده است:

«الْقَائِمُ مِنَّا إِذَا قَامَ طَلَبَ بَثَارَ الْحُسَيْنِ»^۲،

قائم (عج) از ماست، هنگامی که قیام کند خونخواه حسین (ع) خواهد بود.

«بِأَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْهُمْ»^۳.

مام. بفر (ع) در مورد آیهی «وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا

فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ» می فرماید:

«مقصود از آن قتل مظلوماً، حسین بن علی (ع) است که مظلوم کشته شد و ما

اولیای او هستیم و قائم ما چون قیام کند، در طلب انتقام خون حسین (ع)

برمی آید مقتول حسین (ع) و ولی او قائم (عج) است».

در پایان عقیده‌ی بنده این است که در هر سطح علمی که باشد به

اندازه‌ی درک و فهم خودش سخن گفته است، نه شایسته‌ی ائمه اطهار (ع)

مخصوصاً حضرت حجتین الحسن العسکری (عج)

من الله التوفيق

شیخ الاسلام صفی‌لو

۱- ر.ک: منتخب الاثر، ص ۱۴۰-۱۳۹ و ۲۵۴-۲۶۴.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۵۰.

۳- دلائل الامه، طبری، ص ۲۳۹.

۴- اسراء (۱۷)، آیهی ۳۳.